

اخبار بازیگران مرد

حمید فرخ‌زاد؛ حلقه سبز



به گزارش خبرنگار ما درگیری حمید فرخ‌زاد با دستیار حاتمی‌کیا در سریال حلقه سبز، به شکستن انگشتان دیزجودی منجر شد که این اتفاق با اعتراضی اعضای انجمن برنامه‌ریزان و دستیاران کارگردان و صدور بیانیه‌ای روبه‌رو گردید. قرار است به زودی سعید پورصمیمی به نمایندگی از انجمن بازیگران و محمد موفق به نمایندگی از انجمن دستیاران با پی گیری ماجرای روی‌داده نظر کارشناسی خود را در زمینه اتفاق رخ داده اعلام کنند. حمید فرخ‌زاد در حال حاضر فیلم چهارشنبه‌سوری به کارگردانی اصغر فرهادی را بر پده سینما دارد. او در این فیلم به همراه هدیه تهرانی بازی قابل قبولی از خود ارائه داده است. حمید فرخ‌زاد تاکنون در آثاری چون عروس آتش، تب، طبل بزرگ زیر پای چپ و... بازی داشته است و یک اثر با نام سفر سرخ کارگردانی کرده که تاکنون موفق به نمایش آن نشده است. این بازیگر برای بازی در فیلم «چهارشنبه‌سوری» نامزد دریافت بهترین بازیگر مرد بود که نتوانست در رقابت با دیگر حریفان آن را به دست آورد.

خسرو شکیایی؛ افسانه شادی‌ها



این بازیگر مطرح و کهنه‌کار سینما در جشنواره فیلم فجر با بازی در اپیزود سوم فیلم ستاره‌ها ساخته فریدون جیرانی نشان داد هنوز توانایی‌های زیادی در بازیگری دارد. شکیایی در حال حاضر در فیلم «افسانه شادی‌ها» به کارگردانی علی قوی‌تن ایفای نقش می‌کند.

او در این فیلم در نقش مدیر کارخانه عروسک‌سازی ظاهر شده که با همسر جوانش که گوینده برنامه‌های عروسکی است مشکلات عدیده‌ای دارد. او در این فیلم با یکتا ناصر، افسانه چهره‌آزاد، جمشید مشایخی و السا فیروزآذر هم‌بازی است.

عزت‌الله انتظامی؛ رنگ‌های خاطره

بازی او در فیلم «رنگ‌های خاطره» به کارگردانی امیرشهاب رضویان طعنی شده و قرار است بهارامسال روبه‌روی دوربین این عزت‌الله انتظامی چندی پیش فیلم «حکم» را بر پرده سینماها داشت که تحسین بسیاری از تماشاگران و منتقدان سینما را برانگیخت. این بازیگر قدیمی و محبوب سینما در جشنواره فیلم فجر در فیلم ستاره‌ها (جلد اول) نیز حضوری مقتدرانه داشت. انتظامی در این فیلم در کنار دو تن از بازیگران جوان سینما، اندیشه فولادوند و امین حیایی در آخرین ساخته فریدون جیرانی بازی کرد. او در فیلم رضویان عزت‌الله انتظامی چندی پیش فیلم «حکم» را بر پرده سینماها داشت که تحسین بسیاری از تماشاگران و

منتقدان سینما را برانگیخت. این بازیگر قدیمی و محبوب

سینما در جشنواره فیلم فجر در فیلم ستاره‌ها (جلد اول) نیز حضوری مقتدرانه داشت. انتظامی در این فیلم در کنار دو تن از بازیگران جوان سینما، اندیشه فولادوند و امین حیایی در آخرین ساخته فریدون جیرانی بازی کرد. او در فیلم رضویان عزت‌الله انتظامی چندی پیش فیلم «حکم» را بر پرده سینماها داشت که تحسین بسیاری از تماشاگران و منتقدان سینما را برانگیخت. این بازیگر قدیمی و محبوب سینما در جشنواره فیلم فجر در فیلم ستاره‌ها (جلد اول) نیز حضوری مقتدرانه داشت. انتظامی در این فیلم در کنار دو تن از بازیگران جوان سینما، اندیشه فولادوند و امین حیایی در آخرین ساخته فریدون جیرانی بازی کرد. او در فیلم رضویان عزت‌الله انتظامی چندی پیش فیلم «حکم» را بر پرده سینماها داشت که تحسین بسیاری از تماشاگران و

رضا کیانیان؛ سفر به تاریکی



پرکارترین بازیگر مرد جشنواره بیست‌ونجم، در حال حاضر خود را آماده بازی در تازه‌ترین فیلم بهمن فرمان‌آرا با نام «سفر به تاریکی» می‌کند. او که در جشنواره فیلم فجر امسال با چهار فیلم با نام‌های زاگرس، باغ فدوس، کارگران مشغول کارند و اسب در بخش‌های مختلف جشنواره حضور داشت، در فیلم «سفر به تاریکی» به همراه گلشیفته فراهانی نقش کوتاهی دارد. این فیلم قرار است به زودی در شهر برلین کلید زده شود. دیگر بازیگران این فیلم به دلیل مخارج زیاد ساخت فیلم در آلمان، از همان کشور انتخاب خواهند شد. این فیلم داستان دختری است که با یک چمدان پر از ترشی و سبزی به فرودگاه برلین وارد می‌شود تا به شوهرش که آنجا مشغول تحصیل است ملحق‌شود، اما شوهرش دنبالش نمی‌آید و این آغاز «سفر به تاریکی» است.

شریفی‌نیا؛ دستبازی به جای بازیگری



بعد از به پایان رساندن بازی در فیلم گیس‌بریده به مانند اکثر کارهای مهرجویی در سال‌های اخیر در نقش دستیار کارگردان و برنامه‌ریز او حاضر شده است. شریفی‌نیا در مورد روند فیلمبرداری «علی‌ستوری» می‌گوید: «نیمسی از فیلمبرداری فیلم در تهران به پایان رسیده است و بهرام رادان، گلشیفته فراهانی، مسعود لیگان و سیامک خواهرانی جلوی دوربین داریوش مهرجویی افتاد. او در مورد مضمون و داستان فیلم هم می‌گوید: «فراز و نشیب‌های زندگی یک مرد علاقه‌مند به موسیقی، خط داستان اصلی فیلم است که در این راه با مخالفت‌های خانواده‌اش مواجه می‌شود و به علت مشکلات در دام اعتیاد می‌افتد. «محمدرضا شریفی‌نیا برخلاف سال‌های گذشته که از پرکارترین عوامل سینمایی در جشنواره فیلم فجر بود امسال اثری برای ارائه نداشت.

گفت‌وگو با بیژن میرباقری کارگردان ما همه خوبیم

در ستایش سینما

خسرو و خسرو پرویز

دوربینی که دارای هویت می‌شود و کنار یک خانواده قرار می‌گیرد. دوربینی که قرار است رسالت خود را با ثبت واقعیت ترسیم کند و این دوربین است که به عنوان یک پارامتر زنده این آدم‌های تغییر شکل یافته را که در عین حال زندگی هم می‌کنند تغییراتشان را ثبت می‌کند. که سینما هم قرار است این دوران را با آدم‌هایش با واقعیت و آرزو و کمبودها ثبت کند. «ما همه خوبیم» اولین تجربه سینمایی بیژن میرباقری است که آن را در جشنواره فجر، مسئولین و هم منتقدین پسندیدند، اما نتیجه‌اش شد اگران نامناسب در سینماها و منع پخش تیزر در تلویزیون و انعکاس ضعیف در مطبوعات.

■

■ از اینجا شروع کنیم که چطور تهیه‌کننده، این فیلمنامه را برای ساخت به شما پیشنهاد داد؟ چطور این شرایط به عنوان فیلم اولی برایتان فراهم شد؟

ماجرای این طور بود که تهیه‌کننده فیلم (تخت کشیان) اصولاً فیلمسازان جوان و فیلم کوتاه‌برایش مهم است و همواره روند حرکتی این فیلمسازان را پیگیری می‌کند و این بخش برایش جذاب است. یک فیلمنامه به ایشان ارائه کردم که قبول نشد و ایشان این فیلمنامه را پیشنهاد کردند و فکر می‌کنم دلیل انتخاب این بود که این دو فیلمنامه به لحاظ تماتیک نزدیک به هم بود.

■

■

درباره خانواری است که یک پسرشان ژاپن رفته و این موضوع از زاویه دیگری بررسی می‌شد. به هر حال خیلی برایم بگانه نبود.

■ چطور شد که موضوع مهاجرت برایتان مهم شد؟ مقوله مهاجرت پدیده‌ای است که تقریباً با تاریخ تمدن وجود دارد. اصلاً شکل‌گیری تمدن به واسطه مهاجرت شکل گرفته است. مهاجرت هم شرایط خودش را دارد که برای زیست بهتر انجام می‌شود. در این فیلم سعی کردم موارد مختلف مهاجرت مثل جنگ، اقتصاد، فضای خالی بعد از جنگ و دلایل سیاسی را نشان دهم. چیزی که جامعه ما به شکل‌های مختلف با آن دست و پنجه نرم می‌کند. البته مهاجرت در این فیلم بهانه است. نبود یک آدم مهم است. اینکه از یک چرخه کامل قسمتی را برداریم چه اتفاقی می‌افتد. در صورتی‌که بقیه دارند زندگی خودشان را می‌کنند ولی در عین حال چیزی کم دارند.

■ نکته‌ای که در آثار کوتاه‌تان و این فیلم وجود دارد، تأثیری است که نبود یک فرد و یک فقدان بر آدم‌های دیگر داستان می‌گذارد. موضوع مهاجرت در «ما همه خوبیم» تأثیری است که نبود جمشید بر این خانواده گذاشته و در «دو خواهر» موضوع جنگ را در نبود آن فرد و تأثیری که بر روی زن داشت نشان می‌دهد. . . .

این یکی بودن به طور اتفاقی پیش آمده که شما فیلم‌ها را دیده‌اید. آدم‌ها یک مجموعه خواسته‌ها و قصه‌هایی را به دنبال خودشان در فیلم دارند، حالا نبوده‌ها و کمبودها می‌تواند مهم باشد که می‌توان آنها را طبقه‌بندی کرد. در فیلم «خاموشی» که بعد از «دو خواهر» ساختن هم اینگونه بود و الا آن که گفتید متوجه شدم.

■ فیلمنامه از زمانی که به داستان رسید تا اجرا چه مرحله‌ای را در بازنویسی طی کرد و چطور با فیلمنامه‌نویس به تعامل رسیدید؟ به هر حال هر کارگردانی خواسته‌هایی نسبت به متن دارد که این خواسته‌ها را در ابتدا به‌نویسنده، خانم فرح اور مقدم- پیشنهاد کردم و ایشان یک دور آن را بازنویسی کردند. بعضاً نویسنده نسبت به دخل و تصرف در فیلمنامه خودش دچار مشکل می‌شود و فکر می‌کند که اثر کامل است. الزاماً این فکر حرکت منفی نیست. به هر حال آن تغییرات مطلوب نبود که ما با اجازه خودشان شروع به تغییراتی در فیلمنامه کردیم.

■ این تغییرات چه بود؟ در جشنواره بودید که بازنویسی را براساس لوکیشن انجام دادید.

بخشی از این ماجرا براساس لوکیشن بود چون فاصله انتخاب لوکیشن و فیلمبرداری ۱۰ روز بود. فیلمنامه اولیه خیلی بلند بود که ما از پیش مونتاژ شده نسبت به فیلمنامه برخورد کردیم که تغییرات در آن انجام شد. حادثه در شروع می‌شد. . . .

■

■ حادته؟ هر فیلمی باید براساس یک حادثه شروع شود. بهتر است بگویم یک اتفاق که آدم‌ها حول محور آن حرکت کنند در فیلمنامه اولیه در دقایق ۳۰ فیلم دوربین وارد قصه می‌شد. الان در دقیقه ۱۴ این اتفاق می‌افتد.

■ به نظرم این اتفاق ورود کامران (دوست جمشید) است نه دوربین؟ بله، کامران هم دقیقه ۸ وارد قصه می‌شود. در آن فیلمنامه همه چیز خیلی دیرتر اتفاق می‌افتاد. ماجرای دیگری که در بازنویسی اتفاق افتاد این بود که معتقد بودم کاراکترها نباید یک‌بعدی باشند. در نتیجه سکانس‌هایی به فیلمنامه اضافه کردم که تغییرات کوچکی در شخصیت داشته باشند.

■ از این موارد می‌توانید مثال بزنید.

مثلاً در مورد پدر خانواده تا اواسط داستان تصورمان این است که پیرومی است که به واسطه مرضی‌اش زیاد غر می‌زند ولی هنگامی شخصیتش کامل می‌شود که آخرین سکانس‌اش را می‌بینیم که با عروس خانواده آن برخورد را می‌کند.

آنجا متوجه می‌شویم که این مرد نگاه واقع‌بینانه‌ای نسبت به زندگی دارد. آنگدر که می‌تواند پسرش را که بخشی از زندگی‌اش است از ذهن و زندگی‌اش حذف کند.

■ حالا که در مورد شخصیت‌ها صحبت شد به یک سکانس کلیدی فیلم اشاره می‌کنم، جایی که ویدا (زن جمشید) مقابل دوربین حرف می‌زند و می‌گوید که همه حرف‌های خودشان را زنده، حرف‌هایی که طعنه‌ها در خودشان بوده، در صورتی که نبود جمشید بیشتر به یادش را به ویدا زد و تنها اوست که منطقی با این ماجرا برخورد می‌کند و کمتر به فکر



اولیه‌ای که با هم داشتیم اینکه خیلی ساخت و ساز نکنیم و اینکه این فیلم بازیگر نیست، از مشاوره با ایشان به وجود آمد. و اینکه حرکات اضافی در کارگردانی هم حذف شود تا به یک نقطه مطلوب برسیم که البته سخت بود. به هر حال همکاری خوبی برای من بود.

■ از موسیقی در فیلم زیاد استفاده شده، خصوصاً در قسمت‌های دوربین ویدیویی که به نظرم به دلیل اینکه این صحنه‌ها خودش به لحاظ عاطفی انرژی زیادی داشت احتیاجی به موسیقی نبود.

وقتی که فیلم را می‌سازی براساس یک تصور است که ما آن تصور را می‌سازیم. در نمونه‌های فرهنگی می‌بینیم که یک اکران می‌گذارند و شروع به نظرسنجی می‌کنند که فیلم را بهتر ارائه دهند. اما ما این امکان را نداریم. و باید تصور قوی و حجبیی داشته باشی که دستکاری در آن نشود. نظرت درست است و خودم هم که چندباری با تماشاگران فیلم را دیدم به این نتیجه رسیدم ولی نتوانستم دوباره آن را میکس مجدد کنم. البته قرار نبود این موسیقی به عنوان موسیقی فیلم به نگاه مرسوم باشد و جلوتر از بازیگر حرکت کند که احساس عاطفی به فیلم اضافه کند. **■ به نظرم فیلم در موضوعاتی که مطرح می‌کند قصد داوری و نتیجه‌گیری ندارد فقط این قضیه مهاجرت را با نشان‌دادن یک تقابل به سمت نتیجه‌گیری بردید. نمی‌دانم چقدر این قصد را داشتید. جایی که سربازی را نشان می‌دهید که به امید می‌گوید بعد از ۱۵ سال برگشتن تا بتوانم اینجا برای خودم کسی بشم. . . .**

این یک دیدگاه است و اصلاً سراغ نتیجه‌گیری نرفتم. آن فرد معیار خودش را از کسی شدن داشته مثل ماشین و لباس. . . . که برگشته. تقابل نیست بلکه آنجا درباره یکی از دلایل مهاجرت حرف می‌زند می‌گوید جنگ بود که رفتم و بعد که تمام شد برگشتم.

■ حب اینجا نقطه مقابل جمشید است که قبلاً چپه‌ها و جنگ بوده و بعد رفته و عوض هم شده. راستی آن قضیه گرفتن جمشید که در فیلم اشاره می‌شود چیست؟ توضیح نمی‌دهیم. آن عوض شدن بعدها اتفاق افتاده ولی قضیه گرفتن شاید در اختلافات فرهنگی که داشته، قوانین مدنی که داریم و . . . **■ حالا سئوالم این است که چرا بعد از ساخت «ما همه خوبیم» بیشتر کارهای تبلیغاتی، تیزر و فعالیت‌های اجرایی در جشنواره را انجام می‌دید، این فاصله‌ای که افتاده دلایلش اینها نیست؟**

اصولاً از این کارهایی که انجام می‌دهم لذت می‌برم. تیزر برای من یک فیلم کوتاه است که اتفاقاً این نگاه خیلی به من در اجرا کمک می‌کند و باعث شده که من معمولاً پلان اضافه در کارهایم بگیرم. این کارها را به این دلیل انجام می‌دهم که دو فرصت جدا هستند و مانع هم نمی‌شوند. **■ راستش نمی‌شد باور کرد که آونسن جشنواره امسال سازنده «ما همه خوبیم» بوده تر و کاژهای این آونسن خوب نبود.**

اصولاً برای تیزرسازی در همه جشنواره‌های دنیا با توجه به مواد تبلیغاتی جشنواره از یک سال قبل شروع به برنامه‌ریزی می‌کنند. یک ماه مانده به جشنواره سفارش تیزر دادند. چند روزی هم در شورا معطل شدیم و در نتیجه باید به سرعت کار می‌کردیم، بعد از آن همه گفتند چرا HT نگرفتی که کیفیت تروکاژها بهتر می‌شد. در نظر بگیرد که آن کارها هم در چهار روز انجام شد. **■ فیلم با توجه به موضوعی که داشت با تماشاگران خارجی چطور ارتباط برقرار کرد؟**

هر بار که فیلم را با تماشاگران دیدم آنها هم خوششان آمده بود ولی مشکلاتی هم با فیلم داشتند و مواردی که جزء فرهنگ ما است را متوجه نمی‌شوند. مثلاً یک تماشاچی من گفت: «واقعاً کار کسی در کشور شما جای دیگری برود زندگی کند یعنی اینکه مرده؟ و با او مثل یک مرده برخورد می‌کنند؟ می‌گفت وحشتناک است که فردی در جایی دیگر زنده باشد ولی به نظر مرده باشد. ولی با همه اینها ارتباط برقرار شد ولی تماشاچی‌های ایرانی خارج از کشور خیلی خوب ارتباط داشتند و تعدادی را به چشم گریان می‌دیدم. تجربه خیلی خوبی بود.

سال سوم ■ شماره ۷۲۶ *شوق*

نگاه منتقد □

ما همه خوبیم اثر بیژن میرباقری

ما همه در حال مردن هستیم

پروفسور یدالله داج

یک پیغام، یک پیغام‌آور ناشناس، یک عکس، از یک عزیزی واقعی در یک دنیای نامعلوم ولی دور. چنین آغاز می‌شود فیلمی نزدیک به حرف‌های هر روز ملتی گمشده که نهایت آرزویش دیداری از دبی و یا استانبول است.

بیژن میرباقری حدیث دردی واقعی را آرام‌آرام می‌گشاید. فردی در منزل خانواده‌ای را که عزیزی در خارج دارد می‌زند. پیغام این است: برای فرزندتان یک video بگیرد که من در بازگشت با خود ببرم. قبل از حرکت با شما تماس می‌گیرم. این هم عکسی از پسران. خداحافظ.

و خانواده خوشحال از این خبر. از این یک خبر فریاد پیروزی و شادی سر می‌دهد و تک‌تک افراد خانواده خود را در باطن آماده چنین پیغام تصویری می‌کنند. مادر، پدر، خواهر، برادر، زن برادر، پدربزرگ و فرزند از یادگار مانده برادر. و دیگر مسائل همسایه و دیگر کارخواهر، عشق برادر به دختر همسایه و دیگر نگرانی مادر از درد پدر و دیگر مدرسه دختر برادری که شاید نبود.

بیژن میرباقری با استفاده از تکنیک‌های ساده ولی پر اثر پس از پیغام‌آور، در پناه مادر و از دیدگاه او وارد دل تماشاچی می‌شود.

مادر باید نشان دهد که ما در این خانواده پر از مسائل، خوبیم. این اصل اول در مادر و آن هم مادر ایرانی، یعنی محافظت از همه، یعنی رفتاری بالاتر از غریزه محافظت، یعنی پنهان کردن درد. دردی درونی و واقعی از روزگار، از تنگنای بودن برای یک لقمه نان، برای بودن اجباری در زمان در مکانی نه چندان سالم. و خواهر، با طغیان درونی و مسائل روزمره بودن که همه ناسالم و بوی صابون مانده می‌دهند به مادر می‌فهماند که کافی است. نباید تصویر گرفت، نباید فرستاد و نباید این زشت را زیبا جلوه داد. او هرگز تن در نمی‌دهد و زشت را زشت جلوه می‌دهد.

و پدر با معرض خود در جنگ آماده دیدار و حرف برای فرزندى که شاید خلف نبود و باید بگوید: تشکر از پول‌ولی زندگی‌آقده‌ها هم که فکر می‌کنیم، در اینجا زیبا نیست. وقتی او کت خود را می‌پوشد که به جلو دوربین برود، میرباقری سعی دارد، انسانی را نشان دهد که درمانده است. پدری که پشیمان از رفتار فرزندى است که مسئول به‌وجودآمدن او بوده، او از زبان یک پدر، یک پدر ایرانی حرف خوب و آخ‌ش را می‌زند. میرباقری را اینجا باید تحسین کرد.

و زن برادر، تنها در مقابل دوربین فلزی کوچک، حرف‌های ناتمام، پر از درد برای فردی که رفته به دنبال رویای دبی و دیار خوب دور.



و مادر با شام زیبا، سفره پر، رنگارنگ، مثل عید نوروز. قرمه‌سبزی، سالاد، نان و . . . و . . . پسرما همه خوبیم. پسرما در حال مردن هستیم. پسرما زندگی سرد و سیه چون تنگه، پسرما ما همه خوبیم و این هم الگوهایم و این همه آخر پول‌هایم. پسرما همه خوبیم. و برادر که حرفش را میرباقری به عنوان یک کارگردان تازه‌ولی پر، شاعرانه در آخر کار، قبل از فرستادن video در تکرار برای ارسال می‌بینم.

برادر کاری‌کن که منم بیام. هر جهنی که هستی برام مطرح نیست. دیگر از این بدتر نمیشه. تو را به خدا کاری‌کن که من هم بیام. برای اینکه ما واقعاً همه خوبیم ولی نه به معنای خوبیم ولی در اینجا، بلکه ما اصولاً آدم‌های خوبی بودیم و هستم و حالممان. . . است. video را روی آوردن کامل به صورت video می‌بینم و بازی‌ها را نتایج زحمت زیاد او در رابطه با عوامل و رابطه عوامل با داستان. داستانی که واقعیت دردناک امروز ایران را می‌رساند. ایرانی که مریض است ولی خوب!

میرباقری کارش در رابطه با عوامل و تکنیک را می‌توان شاهکار سینمای ساده و مردمی ایران دانست. چطور می‌توان احساسات درونی را روی دوربین آورد. مسائل داخلی خانوادگی را چطور می‌توان در برخورد با یک مسئله به یک فرد در خانواده حل کرد. زحم عمیق است و درد قطعاً غریبال درمان. مشکل اجتماعی جهان سوم، مهاجرت برای بهتر زیستن به خاطر مشکلات مصنوعی خلق شده داخلی، مهاجرت بدون هدف، مهاجرت با خطر.

در پشت عکس هیچ چیزی جز آب و چند علف‌هرز اثر دیگری که نشان دهد کجا هستیم دیده نمی‌شود. پدر متوجه می‌شود ولی آیا این مهم است که فرزند کجاست. پیام‌آور هم دیگر معلوم نیست به کجا رفته. خانواده او هم از ایشان خبری ندارند. اجتماع می‌خبر است. ما همه خوبیم و یا ما همه خوبیم، یک درد اجتماعی است امروز را که درد این اجتماع است به صحنه می‌آورد. بازیگران شاهکار کردند. هر کس به عالی‌ترین راه

درد را به جعبه فلزی video بیان کرد. با میرباقری، کارگردان راه‌نویی را در سینما باید جست. او بیان درد ناگفتنی است.